

تاریخ‌نگاری ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبيين: مقتل‌نگاری اهل‌بیت (ع)^۱

آذر انجم شعاع

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

محمد رضا هدایت پناه^۲

دانشیار گروه تاریخ، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

محمد حسن معصومی

استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

چکیده

مقاتل الطالبيين ابوالفرج اصفهانی (د ۳۵۶هـ) یکی از کهن‌ترین و برجسته‌ترین کتاب‌های مقاتل است. این مقاله ضمن بررسی تاریخ‌نگاری ابوالفرج اصفهانی، به‌ویژه آنجا که به اهل‌بیت (ع) پرداخته، می‌کوشد با ارزیابی و نقد گزارش‌های ابوالفرج جنبه‌هایی از مقتل‌نگاری او را روشن سازد. مقاتل الطالبيين تراجم‌نامه‌ای روایی است که بیشتر با تکیه بر منابع مکتوب پیش از خود و گاه با بهره‌گیری از منابع شفاهی نگاشته شده است. ابوالفرج برای سنجش درستی/ نادرستی روایت‌ها دست به مقایسه و ارزیابی می‌زند و گاه نظر خود را نیز بیان می‌کند، از این رو رگه‌هایی از تاریخ‌نگاری ترکیبی و تحلیلی در اثر او دیده می‌شود. گرایش ابوالفرج به دسته‌ای از طالبیان در جاهایی به تاریخ‌نگاری او رنگی جانبدارانه زده و کماً و کیفاً در نگارش مقتل‌ها تأثیر گذاشته است. با این همه روایت‌های او نزد پسینان به‌ویژه مورخان شیعی امامی با پذیرش بسیار روبه‌رو شد و در تاریخ‌نگاری اهل‌بیت ارزش و اعتبار بالایی یافت.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری اسلامی، مقتل‌نگاری، ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبيين، تاریخ اهل‌بیت (ع).

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۲

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): hedayatp@rihu.ac.ir

مقدمه

مقاتل الطالبیین کتابی است که در سده چهارم هجری و برپایه روایت‌های شفاهی و مکتوب راویان، محدثان و مورخان نگاشته شده است. ابوالفرج اصفهانی در این کتاب به بیان فضایل و شرح مجاهدت‌ها، قیام‌ها و کیفیت شهادت و یا آزار و شکنجه ۲۲۷ تن از فرزندان حضرت ابوطالب (ع) از صدر اسلام تا زمان تألیف کتاب در ۳۱۳ هجری پرداخته است. ابوالفرج علی بن الحسین اصفهانی (د ۳۵۶ هـ) اهل بغداد و از نسل مروانیان و قرشی است.^۳ در این مقاله ضمن واکاوی ساختار و محتوای مقاتل الطالبیین، با تکیه بر روایات ابوالفرج درباره اهل بیت (ع) مقتل‌نگاری او نقد و ارزیابی شده است.

پیشینه پژوهش

آذرتاش آذرنوش و علی بهرامیان در مدخل «ابوالفرج اصفهانی» در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی،^۴ به طور جامع به معرفی ابوالفرج و آثار او پرداخته و در عین اختصار زوایای مختلفی از شخصیت او را مورد بررسی قرار داده‌اند. پرویز عادل در مقاله «ابوالفرج اصفهانی و ترجمه مقاتل الطالبیین»،^۵ از ویژگی‌های کتاب و ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی و اهمیت مطالعه آن برای اطلاع از وضعیت جامعه در دوران خلفای اموی و عباسی سخن می‌گوید. محمدرضا هدایت پناه در «منابع تاریخی شیعه تا قرن پنجم»^۶ بر معرفی مقاتل الطالبیین و منابع ابوالفرج در تدوین این کتاب متمرکز شده است. محسن رفعت و محمدکاظم رحمان‌ستایش^۷ نیز در مقاله «روایات عاشورایی مقاتل الطالبیین

۳. ابن اثیر، ۲۷۲/۷.

۴. آذرنوش و بهرامیان، ۱۲۶/۶-۱۳۷.

۵. عادل، ۴۷-۴۸.

۶. هدایت پناه، ۲۹۱-۳۲۱.

۷. رفعت و رحمان‌ستایش، ۱۴۳-۱۷۲.

ابوالفرج اصفهانی در میزان نقد و بررسی^۸ به نقد روایات مقتل امام حسین (ع) در مقاتل الطالبیین پرداخته‌اند. هر یک از این آثار به جنبه‌هایی از زندگی ابوالفرج و کتاب مقاتل الطالبیین پرداخته و مسائلی از تاریخ‌نگاری او را روشن ساخته‌است. مقاله حاضر نیز با بررسی و نقد گزارش‌های ابوالفرج درباره اهل‌بیت (ع) می‌کوشد جنبه‌هایی از مقتل‌نگاری او را روشن سازد.

ساختار و شیوه تدوین مقاتل الطالبیین

از نام مقاتل الطالبیین روشن است که در زمره کتاب‌های مقاتل جای می‌گیرد. این کتاب شامل سرگذشت ۲۲۷ تن از طالبیان است که در فاصله بعثت رسول اکرم (ص) تا زمان نگارش کتاب یعنی جمادی‌الاولی سال ۳۱۳ هـ می‌زیسته‌اند؛ آن دسته از فرزندان ابوطالب که به قتل رسیده‌اند، مسموم شده و از دنیا رفته‌اند، از ترس سلطان وقت متواری شده و در آوارگی از دنیا رفته‌اند، محبوس گردیده و در اثر شکنجه و حبس از دنیا رفته‌اند. از این تعداد، سرگذشت ۱۴۶ تن از طالبیون، اعم از علوی، جعفری یا نوادگان عقیل بن ابی‌طالب را ابوالفرج خود گردآورده است. در بخش آخر کتاب نیز تکمله‌ای شامل سرگذشت ۸۱ تن از طالبیون برگرفته از مقاتل الطالبیین محمد بن علی بن حمزه علوی (د ۲۸۶ یا ۲۸۷ هـ)، به اجمال آورده شده‌است.^۹

ابوالفرج برپایه اسناد چون قائل به مقتول بودن امام علی، امام حسن، امام حسین، امام کاظم و امام رضا (ع) بوده، ذیل عنوان‌هایی مستقل به شرح مقتل آن بزرگواران پرداخته‌است. از امام سجاده (ع)، امام باقر (ع)، امام صادق (ع) و امام جواد (ع) به صورت غیرمستقیم و ضمن مقتل دیگر طالبیون یاد کرده و از ابناء الرضا (ع) نامی نبرده‌است.

ابوالفرج در فصل اول ضمن ۱۴ عنوان، به مقتل ۳۷ تن از طالبیان و در فصل دوم با ۱۸ بخش که ذیل نام هر یک از خلفای عباسی ترتیب یافته سرگذشت ۱۰۹ تن از طالبیان آن

۸. ابوالفرج اصفهانی، ۹۲۰-۹۳۶.

دوره را آورده است. اشکال مطرح این است که چرا او در هر دو بخش اثر به صورت یکسان عمل نکرده است؟ بخش بندی در ابتدا بر اساس نام طالبیون صورت گرفته و از خلفای اموی نامی نیست. در حالی که به جز جعفر بن ابی طالب که در جنگ موته در هشتم هجری و علی (ع) که به دست خوارج به شهادت رسیدند، ۳۵ طالبی دیگر که ابوالفرج فهرست نموده با دخالت مستقیم حاکمان اموی کشته شده اند. در بخش دوم، نام طالبیان را تحت نام هر یک از خلفای عباسی آورده و هیچ دلیلی برای تفاوت در بخش بندی ذکر نمی کند. همین تمایز، گمان تمایلیش نسبت به اصل و نسب خود یعنی خاندان اموی به ویژه مروانیان را به وجود می آورد. به نحوی که این میل احتمالاً مانع معرفی روشن و واضح خلفای اموی در جبهه مقابل طالبیان گردیده باشد.

نگارش هفت کتاب^۹ ذیل این عنوان تا زمان نگارش مقاتل الطالبیین، گویای میزان توجه نویسندگان قرون اولیه اسلام به تاریخ خاندان حضرت ابی طالب (ع) است. در این میان محتوای مقاتل الطالبیین ابوالفرج به گونه ای است که خواننده را از اخبار کتب پیشین، مطلع و بی نیاز می کند. ذکر اسناد، انساب، مرثی، سیره طالبیان، و سیره خلفا از شاخصه های تاریخ نگاری ابوالفرج در این اثر است. ابوالفرج به سند اخبار و روایات بسیار توجه نموده و اسناد هر خبر را ذکر کرده است.^{۱۰} از این رو برخی گفته اند؛ این کتاب به شیوه روایی و حدیثی تدوین شده است.^{۱۱} وی در بیان انساب افراد به نکات زیر توجه نموده است:

۹. ابن ندیم، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۶۶؛ نجاشی، ۱۶-۱۸، ۹۵، ۳۷۵، ۳۷۶، ۴۴۱؛ آقا بزرگ طهرانی، ۳۵۱/۱، ۵۷/۱۹، ۳۷۷/۲۱، ۲۲۰/۲۲، ۱۳۵/۲۴؛ این تألیفات عبارتند از: نسب آل ابی طالب از هشام بن محمد کلبی (د ۲۰۶هـ)؛ اسماء من قتل من الطالبیین و اخبار ابی طالب و ولده از ابوالحسن المدائنی (د ۲۳۵هـ)؛ نسب آل ابی طالب از یحیی النسابه (د ۲۷۷هـ)؛ اخبار من قتل من آل ابی طالب از ابن هلال ثقفی (د ۲۸۳هـ)؛ مقاتل الطالبیین از محمد بن علی بن حمزه علوی (د ۲۸۶ یا ۲۸۷هـ)؛ و المبیضه فی اخبار مقاتل آل ابی طالب از ابن عمار ثقفی (د ۳۱۴ یا ۳۱۹هـ).

۱۰. ابوالفرج اصفهانی، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۵۱، ۲۸۰، ۳۰۹، ۴۳۳، ۶۱۴، ۶۹۴، ۷۴۱، ۸۳۹، جم.

۱۱. رفعت و رحمان ستایش، ۱۶۵.

الف) مطابق هدف نگارش کتاب، از فرزندان حضرت ابوطالب یاد کرده‌است؛^{۱۲} ب) هر یک از فرزندان حضرت ابوطالب را تحت عنوانی خاص، با نام خود شخص معرفی و نام و نسب شخص را به صورت کامل ذکر کرده‌است؛^{۱۳} ج) نام مادر و امهات او را به صورت کامل با ذکر خصوصیات فرد حتی تا ۱۶ پشت آورده‌است؛^{۱۴} د) کنیه شخص را ذکر کرده‌است؛^{۱۵} ه) در برخی موارد تاریخ مرگ و قتل طالبیین را به صورت دقیق آورده‌است.^{۱۶} گفتمنی است واژه «توفی» و «قتل» و «موت» را برای کشته شدن همه طالبیین به کار برده^{۱۷} و از واژگان «شهد»، «شهید» و «استشهد» یا «شهادت» در هیچ موردی استفاده نکرده‌است. پیداست این واژه در ادبیات سیاسی مذهبی آن دوران مصطلح نبوده و بعدها رایج گردیده‌است.

بهره‌گیری از شعر و سروده‌هایی که در رثای هر یک از رهبران طالبی قیام‌ها انشاد شده از مواردی است که ابوالفرج بر آن اهتمام داشته‌است. وی در پایان هر مقتل اشعار شاعران نامداری را که معاصر و یا متأخر از شخص منظور بوده آورده‌است. اشعار ام‌الهیثم نخعی در سوگ امیرالمؤمنین علی (ع)^{۱۸} و مرثیه سلیمان بن قتّه در رثای امام حسین (ع)^{۱۹} نمونه‌هایی از این دست است.

مقاتل الطالبیین در واقع زیست‌نامه و یا تراجم احوال طالبیین است. افرادی متنفذ و مؤثر که رهبری گروه عظیمی از امت اسلامی را بر عهده داشته‌اند. او همچنین به علل مطرح

۱۲. ابوالفرج اصفهانی، ۵۰.

۱۳. همو، ۵۳، ۷۰، ۱۴۵، ۱۴۷، ۲۵۷، ۲۷۷، ۲۸۴، جم.

۱۴. همو، ۵۴، ۱۰۱، ۱۰۲، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۹، ۹۰۰، جم.

۱۵. همو، ۵۳، ۶۴، ۷۰، ۱۳۳، ۱۴۷، ۱۵۲، ۲۵۷، ۲۷۷، جم.

۱۶. همو، ۵۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۲۸۶، ۹۰۱، ۹۰۵، ۹۱۱، ۹۳۰.

۱۷. همو، ۹۵، ۵۴۴، ۷۰۲، ۷۰۳.

۱۸. همو، ۹۸-۱۰۰.

۱۹. همو، ۲۰۸، ۲۰۹.

در به شهادت رساندن افراد توجه و در حد امکان به طرح آن‌ها پرداخته و جریان شهادت، حبس یا شکنجه و یا تعقیب طالبیان را نقل کرده است. گفتنی است هدف او توجه خاص به قیام‌ها و یا تحرکاتی بوده که رهبران آن‌ها اهداف مقدس و الهی در راستای اجرای عدالت داشته‌اند.^{۲۰} تاریخ‌نگاری ابوالفرج در مقاتل الطالبیین، از نوع تاریخ عمومی نیست. او به گروه خاصی از افراد جامعه مسلمان، خاصه شیعیان با لحاظ منسوب بودن به تبار ابوطالب توجه داشته، از این رو تاریخ‌نگاری او صبغی تبارشناختی مذهبی می‌یابد.

یکی از موضوعات مهمی که ابوالفرج در مقاتل الطالبیین بدان اشاره کرده موضوع منازعات و جنگ‌های داخلی میان خود طالبیان است. از ده‌ها تن نام می‌برد که در این درگیری‌ها کشته شده‌اند. این جا دیگر دستگاه خلافت در یک طرف و طالبیان در طرف دیگر نیستند، بلکه هر دو طرف دعوا طالبیون هستند. شاید این بخش از مقاتل الطالبیین خارج از شرطی باشد که ابوالفرج در ابتدای کتاب تعیین کرده است. در این فهرست قاتل و مقتول درهم آمیخته و در هر دو طرف مخاصمات از علویان و حسنیان و جعفریان وجود دارند. او زیرکانه مسئولیت صحت و سقم گزارش‌ها را بر عهده محمد بن علی بن حمزه علوی (د ۲۸۶ یا ۲۸۷ هـ) و کتاب او با عنوان مقاتل الطالبیین قرار داده است.^{۲۱}

مقاتل الطالبیین گزارش‌های متعددی در خصوص رفتار خلفا با گروه‌های مختلف مردمی به ویژه فقها، محدثین، علما و افراد صاحب نفوذ و تأثیرگذار در بین مردم ارائه داده است. ابوالفرج به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم سیاست‌گذاری‌های خلفا و کارگزاران آن‌ها را در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی ذکر کرده است. گاه خود صریح اظهار نظر می‌کند^{۲۲} و گاه فهم واقعیت‌ها از درک شیوه برخورد آن‌ها با طالبیان میسر است.^{۲۳}

۲۰. ابوالفرج اصفهانی، ۵۰، ۷۹ تا ۹۵، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۵ تا ۲۱۲، جم.

۲۱. همو، ۹۱۷-۹۳۶.

۲۲. همو، هارون الرشید با امام موسی کاظم، ۶۹۴-۷۰۲؛ معرفی امین، ۷۰۳؛ متوکل و مرقد امام حسین(ع)،

منابع

چگونگی نقل اخبار و گزارش‌ها در مقاتل الطالبیین گویای آن است که نویسنده اخبار خود را از منابع متعدد و مختلف استخراج و به ثبت آن‌ها پرداخته‌است. استنباط این مطلب که ابوالفرج در ارائه داده‌های تاریخی خود در مقاتل الطالبیین بیشتر به منابع مکتوب تکیه نموده، دشوار نیست. مقاتل الطالبیین در ۳۱۳هـ، در دوره جوانی نویسنده (۲۹ سالگی) و در کمتر از یک ماه تألیف شده‌است.^{۲۴} ابوالفرج از مشایخ خود که راویان بزرگ کوفه بودند روایت کرده، در حالی که اقامتش در کوفه قبل از سال ۳۰۰هـ بوده^{۲۵} و این فاصله زمانی ۱۳ ساله و روایت از راویان کوفی، همچون محمد بن جریر طبری (د ۳۱۰هـ)^{۲۶} و علی بن عباس مقانعی (د ۳۱۰هـ)^{۲۷} که در زمان تألیف مقاتل الطالبیین از دنیا رفته بودند. همچنین تصریح ابوالفرج از بهره‌برداری از برخی کتب مانند نسخه مکتوب احمد بن الحارث الخراز (د ۲۵۸ یا ۲۵۹هـ)^{۲۸} ادله‌ای بر استفاده او از منابع مکتوب است. دلیل دیگر، سخن ابن ندیم در معرفی اوست: «ابوالفرج کمتر از کسی روایت می‌کرد و در تألیفاتش بیشتر به کتاب‌هایی استناد می‌نمود که نویسنده‌ی آن معلوم باشد و یا از روی نسخه اصلی و خطی صحیح و خوب استفاده می‌کرد».^{۲۹} وی هر چه به زمان خود نزدیک‌تر شده، اطلاعات کمتری از طالبیین ارائه داده تا حدی که ۹۰ تن از طالبیین یعنی دو پنجم جامعه هدفش در ۳ درصد از حجم مقاتل الطالبیین معرفی گردیده‌اند، زیرا به گفته خودش، در دوره متأخر جامعه فاقد

۲۳. همو، سیاست‌های معاویه با امام حسن (ع)، ۱۰۸-۱۴۰؛ برخورد عبیدالله با مسلم بن عقیل، ۱۶۸-۱۸۶.

۲۴. همو، ۵۰، ۹۳۷.

۲۵. آذرنوش و بهرامیان، ۱۲۸/۶.

۲۶. ابوالفرج اصفهانی، ۲۴، ۳۲، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۷۶، ۹۴.

۲۷. همو، ۳۱، ۵۶، ۱۳۱، ۱۳۳، ۲۱۵، ۲۴۸، ۳۱۹، ۳۴۶، ۲۴۸، ۳۵۲، ۳۵۹، ۳۹۶، ۳۸۹، ۴۶۵، ۵۱۰.

۲۸. همو، ۵۴۹.

۲۹. ابن ندیم، ۱۲۸.

مؤلفینی است که به خلق آثار مدون و منظم پردازند.^{۳۰}

وی در تألیف این اثر از آثار مکتوب عالمان سیره، مغازی و انساب اعم از شیعه و سنی همچون ابومخنف (د ۱۵۷هـ)،^{۳۱} محمد بن اسحاق (د ۱۵۱هـ)،^{۳۲} هیشم بن عدی (د ۲۰۶ یا ۲۰۷هـ)،^{۳۳} هشام کلبی (د ۲۰۶هـ)،^{۳۴} مدائنی (د ۲۳۵هـ)،^{۳۵} حسن بن علی الوشاء (زنده در ۲۲۰هـ)،^{۳۶} احمد بن الحارث الخراز (د ۲۵۸ یا ۲۵۹هـ)،^{۳۷} یحیی النسابه (د ۲۷۷هـ)،^{۳۸} محمد بن علی بن حمزه (د ۲۸۶ یا ۲۸۷هـ)،^{۳۹} ابن عقده (د ۳۳۳هـ)^{۴۰} و دیگران بهره برده است.

او مانند طبری معلومات تاریخی خود را از کتبی به دست آورده که در پاره‌ای از آن‌ها اجازه روایت داشته و در پاره‌ای دیگر چنین اجازه‌ای نداشته است.^{۴۱} بسیاری از روایان در دایره روایی ابوالفرج صاحب کتاب‌اند که وی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و با واسطه به آن‌ها دسترسی داشته است. منبع اصلی او گاه کتابی است که آن را با سند متصل قرائت و استماع کرده و اجازه روایت دارد. در سراسر کتاب مقاتل الطالبیین، تنها بر استفاده‌اش از

۳۰. ابوالفرج اصفهانی، ۵۱.

۳۱. همو، ۶۸، ۷۶، ۷۷، ۸۲، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۸، ۱۰۷ و جم.

۳۲. همو، ۵۷، ۵۹، ۶۱، ۴۲۳، ۶۰۵، ۶۴۵.

۳۳. همو، ۷۳۷.

۳۴. همو، ۵۳، ۲۲۰، ۳۴۸.

۳۵. همو، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۴ و جم.

۳۶. همو، ۸۰.

۳۷. همو، ۱۴۶، ۱۵۵، ۱۶۱، ۱۶۷، ۲۱۰، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۶ و جم.

۳۸. همو، ۱۴۸، ۱۶۳، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۴۸، ۲۵۸، ۴۳۷ و جم.

۳۹. همو، ۶۱، ۱۴۴، ۱۵۶، ۱۶۶، ۲۱۲، ۲۶۳، ۲۶۵ و جم.

۴۰. همو، ۳۰، ۳۱، ۵۳، ۵۶، ۶۱، ۶۷، ۹۶، ۱۴۱ و جم.

۴۱. آیین‌وند، ۲۲-۳۱.

«مغازی» ابن جریر طبری^{۴۲} و فیش برداری از مکتوب احمد بن الحارث الخراز و محمد بن علی بن حمزه و مدائنی بدون ذکر نام کتاب اشاره کرده‌است.^{۴۳} روش متقدمین در ذکر منابع و اسناد، ذکر نام راوی است نه ذکر نام منبع مکتوب. روش غالب ابوالفرج نیز در ارائه اسناد خود، عدم اشاره به نام کتاب‌هایی است که از آن‌ها بهره برده‌است. بسیاری از راویان او صاحب تألیفات متعددی هستند که عدم ذکر نام کتاب مورد استفاده، ما را در تشخیص عنوان و متن دچار اشکال می‌کند. وقتی از ابومخنف، واقدی، ابن شُبّه، مدائنی نقل می‌کند ما نمی‌دانیم از کدام یک از ده‌ها تألیف آن‌ها بهره برده‌است. در این شرایط شناسایی و تعیین مصادر گزارش‌های این کتاب با روش علمی آنگاه که از فقدان نسخه مکتوب آن‌ها یقین حاصل شود، بسیار حائز اهمیت است.

ابوالفرج در ارائه گزارش‌های تاریخی نسبت به ذکر کامل و دقیق سلسله اسناد روایت و خبر، تقید داشته و در این مسیر به استخراج، مقایسه و غربال اخبار دست زده‌است. در گردآوری و تألیف روایات تاریخی ابتدا و پس از تدوین، آن را به منبع اصلی ارجاع می‌دهد. منبع اصلی گاهی شیخ موثق و مورد اعتماد اوست، گاه عادل است که در واقعه شرکت داشته یا عالم بدان است که با بررسی سند یا اسناد هر خبر می‌توان بر راویان و محدثان ناقل اخبار آگاهی یافت. روش ابوالفرج در گام نخست روش محدثین است که حوادث تاریخی از طرق موجود روایت می‌شود و سند را ذکر کرده تا به صاحب اصلی آن برسد. مصدر اصلی برخی روایات او امامان معصوم (ع) شیعی می‌باشند.

نخستین ضابطه مهم از نگاه ابوالفرج در نقل اخبار توجه به سند و مدرک است. گزارش‌های او به‌طور کاملاً مستند و دقیق گردآوری شده‌است. از زاویه دید او سند و مدرک باید سه مشخصه داشته باشد: الف) راوی نباید تحت تأثیر تعلقات و تعصبات مذهبی خود

۴۲. ابوالفرج اصفهانی، ۵۷.

۴۳. همو، ۶۱، ۵۴۱، ۵۴۹، ۶۱۴.

به روایت تاریخ پردازد؛^{۴۴} (ب) استناد تام تنها به یک راوی قابل اعتماد نیست؛^{۴۵} (ج) راوی باید مستند گزارش دهد و منبع او تخصصی بوده و اعتبار علمی داشته باشد و شایعات و مطالب عوام پسند اعتبار ندارد.^{۴۶}

در نگاه ابوالفرج همچون استادش طبری ارزش حادثه‌ها به میزان قوت اسناد آن بستگی دارد. هر چه سند به حادثه نزدیک‌تر باشد از اهمیت بیشتری برخوردار است. نظر او در مورد علی بن محمد نوفلی نمونه‌ای در این باب است. او نوفلی را امامی مذهب و متعصب می‌داند. می‌گوید: تعصب او عاملی است که اخبار را درست نقل نکند.^{۴۷} به علاوه اخبار ابوالسرایا را از پدرش که ساکن بصره است و اخبار را از مردم عامی شنیده نقل می‌کند که همه اباطیل و اراجیف است. به همین دلیل در نقل اخبار بر کسی اعتماد می‌کنم که از این وصف دور باشد و آن کسی جز نصر بن مزاحم نیست، زیرا علاوه بر این که در حدیث و نقل آن استوار و ثابت قدم و دقیق است، از محتوای گزارش‌هایش پیداست که آن‌ها را از خود ابوالسرایا شنیده است.^{۴۸}

ابوالفرج نسبت به ذکر سند گزارش‌ها بسیار توجه نموده است. بدین جهت برخی گفته‌اند؛ این کتاب به شیوه روایی و حدیثی تدوین شده است.^{۴۹} برخی از نویسندگان به نام گوینده خبر تصریح نموده و خبر را به صورت مسند ارائه می‌دهند. بعضی از نویسندگان هم به منبع و ناقل خبر اشاره‌ای ندارند و به شیوه مرسل گزارش‌های خود را طرح می‌نمایند. رویه ابوالفرج در نقل اخبار بر ویژگی ثبت اسناد روایت استوار است و چون بنای بر اختصار

۴۴. ابوالفرج اصفهانی، ۷۰۶.

۴۵. همو، ۱۵۶، ۱۶۶.

۴۶. همو، ۱۴۶، ۷۰۷.

۴۷. همو، ۷۰۶.

۴۸. همو، ۷۰۷.

۴۹. رفعت و رحمان ستایش، ۳۰.

داشته، گاه از تکرار همه افراد واقع در سلسله سند خبر خودداری می‌کند.^{۵۰} اخبار بدون سند مربوط به انساب می‌باشند و با توجه به این‌که در آغاز مقتل هر یک از امامان سلسله راویان آن به‌طور کامل ذکر شده‌اند برخی اخبار در طی گزارش به صورت مرسل یا معلق آمده‌اند که در واقع ابوالفرج در ذکر سند عطف به ماسبق نموده‌است. مثلاً در مقتل امام حسن (ع) پنج روایت مرسل یا معلق است. یکی از محمد بن علی بن حمزه که ابوالفرج بارها متذکر شده که از کتاب او که پسر برادرش علی بن الحسین بن علی بن حمزه علوی برایش حدیث کرده روایت می‌کند.^{۵۱} دو روایت از ابومخنف است که با عبارت «ابومخنف عن رجاله»، سلسله راویان واقع در سند پیش‌تر معرفی شده‌اند و گویای استفاده از منبع مکتوب است.^{۵۲} یک روایت از جمیل بن دراج از امام باقر (ع) است.^{۵۳} در دیگر روایت مرسل از یحیی بن الحسن راوی اخیر ذکر نشده که قبلاً تصریح ابوالفرج از اخذ روایاتش از ابن عقده آمده‌است.^{۵۴}

ابوالفرج در بیان مقتل هر یک از طالبیین در روایاتی با موضوعی خاص و مشابه، به اولویت‌بندی منابع و راویان به دلیل ترجیح در پذیرش روایات آن‌ها و توثیق و جرح روات پرداخته‌است. روش گزارش دهی او را با تکیه بر سند خبر در سه گونه می‌توان دید:

الف) اخبار مشترک و راویان متعدد: ارائه یک گزارش به صورت یکنواخت و یکپارچه بر اساس اقتباس از چندین متن با اسناد مختلف بدون تغییر معنا، نیز اگر یک خبر را با دو سند که آغاز و پایان آن‌ها یکی است ولی در افراد میانی تفاوت دارند،^{۵۵} یا گزارشی را با یک مضمون و الفاظ و اسناد متفاوت دیده، پس از ذکر تمامی ناقلین اسناد، چنین گفته:

۵۰. ابوالفرج اصفهانی، ۸۶، ۹۸، ۱۵۷، ۱۹۰، ۴۰۵.

۵۱. همو، ۱۴۴.

۵۲. همو، ۱۰۷، ۱۳۷.

۵۳. همو، ۱۴۴.

۵۴. همو، ۱۴۱.

۵۵. همو، مقتل امام موسی بن جعفر (ع)، ۶۲۲، ۶۲۳.

«از چند راوی با الفاظ گوناگون و معانی نزدیک این موضوع را در یک خبر گرد آوردم و به جهت پرهیز از اطاله کتاب از ذکر اسانید مختلف اجتناب نمودم».^{۵۶}

ب) اخبار غیر مشترک: اگر خبری از چند طریق نقل شده مجموعه آن‌ها را به طور یکنواخت نقل و اگر اختلافی بوده درسیاق اخبار بیان کرده است. در این موارد پس از ذکر همه اسناد و سلسله راویان، خبر اکمل از راوی اوثق را مقدم می‌دارد. مرجع اصلی اخبار معمولاً مورخی شهیر و صاحب تألیفات مشهوری درباره آن موضوع مثل ابومخنف است.^{۵۷} موارد اختلافی اخبار با نام هر راوی آمده است. در این صورت نیز ذکر روایت راوی اوثق اولویت دارد.^{۵۸} اگر خبری با خبر دیگر در تناقض است با عبارات مؤید صحت یا خطا، به رد یا قبول و ترجیح خبری بر دیگری پرداخته^{۵۹} گاه اخبار اختلافی را با ذکر نام راوی به کل مجموعه افزوده است.^{۶۰}

ج) خبر مفرد و شاذ: در پایان هر مقتل اخباری شاذ از راویان مختلف با ذکر سند آمده^{۶۱} مثلاً ابوالفرج از ابوالبختری نقل کرده که چون خبر شهادت حضرت علی(ع) به عایشه رسید به سجده افتاد.^{۶۲}

تحلیل و نقد سند و متن

ابوالفرج در ارزیابی و سنجش صحت گزارش‌ها، به نقد و ارزیابی و تطبیق و مقایسه گزارش‌ها دست زده و ضمن تحلیل و تعلیل وقایع، نظر خود را مطرح می‌کند. چنان‌که در

۵۶. ابوالفرج اصفهانی، ۳۶۳؛ مقتل امام موسی بن جعفر(ع)، ۶۹۴.

۵۷. همو، مقتل امام علی(ع)، ۷۶؛ مقتل امام حسن(ع)، ۱۳۱.

۵۸. همو، ۱۶۷، ۷۶، ۲۲۰.

۵۹. همو، مقتل امام حسین(ع)، ۱۴۵، ۱۴۷.

۶۰. همو، ۶۴۵.

۶۱. همو، مقتل امام حسن(ع)، ۱۳۱، ۱۳۶.

۶۲. همو، ۹۷.

بررسی اقوال و روایات علاوه بر وجود سند صحیح، از علوم دیگر نیز بهره برده تا قول صحیح را ثبت کند. مثلاً در بیان روز شهادت امام حسین (ع) سه قول را مطرح می‌کند: روز جمعه، شنبه و دوشنبه. وی روز جمعه را روز دهم محرم دانسته و دوشنبه را که قول عوام است، اولاً به دلیل عدم وجود مدرک و سند، ثانیاً عدم تطابق با محاسبات تقویمی و زیج هندی و ثالثاً وجود روایاتی در رد آن، باطل می‌داند. علاوه بر آن، راویان اوثق چون ابومخنف نیز با اسناد خود این نظر را رد کرده‌اند.^{۶۳} در برخی موارد نیز بدون ذکر دلیل، با عبارات مؤید صحت و خطا خبری را رد و نظر خودش را اعلام می‌کند.

پیشینیان اثبات صحت حدیث و روایت را منوط به اثبات ثقه بودن راوی یا سلسله روایت می‌دانستند، زیرا «طبیعت محدثین متوجه به وقوف در برابر نصوص و احترام آن‌ها و محدود کردن دایره عقل و احترام روایت به حد اعلی و منحصر ساختن بحث‌ها در حدود الفاظ است».^{۶۴} وی بر خلاف مورخان حدیث‌گرا که روایات و احادیث را به محک تجربه و عقل نیازموندند، از طرق مختلف در امکان وقوع و یا صحت گزاره‌های تاریخی با کاربست عقل اندیشیده است. عرضه حدیث بر سنت قطعی اعم از احادیث متواتر لفظی و متواتر اجمالی و معنوی یکی از طرق نقد حدیث است.^{۶۵} در روش ابوالفرج متن روایات نیز مورد نقد قرار می‌گیرند و چنین نیست که صرف صحیح بودن سند، کفایت کند. وی روایتی از سفیان ثوری درباره سن ائمه از امام علی (ع) تا امام باقر (ع) نقل کرده که سن همگی ایشان هنگام وفات ۵۸ سال بوده است. ابوالفرج محتوای این روایت را رد و این خبر را موهوم می‌داند؛ زیرا مثلاً حسن بن علی (ع) در سال سوم هجری متولد شد و بدون هیچ اختلاف در سال ۵۱ هجری وفات یافت. پس سن ایشان ۴۸ سال یا حدود آن می‌شود.^{۶۶}

۶۳. ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۵.

۶۴. عمادی حائری، ۱۷۹.

۶۵. معارف و مرادی، ۹۴.

۶۶. ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۶، ۱۴۷.

بیان علت پدیده‌های تاریخی از سوی مورخ، گویای ژرف اندیشی وی بوده و افقی گسترده در مقابل چشمان خواننده می‌گشاید. استدلال‌های ابوالفرج در جای‌جای این اثر پراکنده و ذهن خواننده را برای فهم و درک بهتر وقایع فعال می‌کند. ذکر روایات و ادله در علت روی کار آمدن عباسیان،^{۶۷} علت دشمنی اشعث با حضرت علی(ع)،^{۶۸} علت صلح امام حسن(ع) با معاویه،^{۶۹} علت دشمنی مأمون با امام علی بن موسی(ع)،^{۷۰} علت دستور تخریب مرقد امام حسین(ع) توسط متوکل^{۷۱} مواردی از این دست است. ابوالفرج در تمامی گزارش‌هایی که در مورد شهادت و یا حبس و شکنجه طالبیان آورده، سعی دارد علت این مسئله را نیز طرح نماید، اگر چه در برخی موارد به خطا رفته، اما مهم آن است که در مقاتل الطالبیین از منظر خود به تعلیل و تحلیل کینه و دشمنی بین طالبیان با بنی‌امیه و بنی‌العباس پرداخته‌است. همچنین نتایج اعمال شخصیت‌ها از جمله عاقبت قاتلین اباعبدالله الحسین(ع) و شهادی کربلا را نیز گزارش کرده‌است.^{۷۲}

اما باید توجه کرد، دنبال کردن همه وقایع تاریخی از طریق یک زنجیره موثق تا زمان وقوع آن‌ها، محال است، بدون دخالت عقل در تشخیص وثاقت سلسله روایان و یا برقراری اتصال سلسله روایان در سند از جهت زمانی و طبقات که خود یک فن حدیثی محسوب می‌شود نمی‌توان بر این مشکل فائق آمد.

ابوالفرج از اظهار رأی و نظر خودداری نکرده و گاه روایتی را بر دیگری ترجیح می‌دهد بلکه پس از ذکر روایات صحیح در برخی موارد بی‌طرفی آشکار برمی‌گزیند. در این راستا عقل که قوه‌ی تشخیص آدمی با تکیه بر براهین نقلی و علمی است مؤید اوست. بنابراین

۶۷. ابوالفرج اصفهانی، ۳۳۶.

۶۸. همو، ۸۳، ۸۴.

۶۹. همو، ۱۳۱.

۷۰. همو، ۷۷۸.

۷۱. همو، ۸۱۱.

۷۲. همو، ۲۰۲، ۲۰۳.

روش تاریخ‌نگاری ابوالفرج در مقاتل الطالبیین روش ترکیبی و گاه تحلیلی است.

کاستی‌ها و ضعف‌ها

۱. ذکر مطالب غیر مرتبط: هدف او از تألیف مقاتل الطالبیین یاد کرد از مقتولین طالبی نسب محمود الطریقه و سدید المذهب بوده که حاکم ظالم جانشان ستانده اما در موارد ذیل خلاف اصل عمل کرده است. اهمیت این موضوع از آن جهت است که وی با توجیهاتی، به ذکر گروهی از افرادی که یا از طالبیان نبوده، یا به قتل نرسیده‌اند و یا مفسده‌جو بوده‌اند، پرداخته اما اخبار اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را از نظر دور داشته است. ابوالفرج هر یک از این افراد را در بابتی مستقل در چندین صفحه معرفی می‌نماید. اگر گفته شود که معرفی افراد گروه «الف»، دلیلی برای عدول از هدف محسوب نمی‌شود زیرا این موارد گوشه‌ها و اجزاء یک حادثه کلی مربوط به آل ابی طالب است و پرداختن به آن‌ها پرداختن به زوایای جامع قیام طالبی محسوب می‌شود، باید گفت ابوالفرج برای پرهیز از عدول از هدف، اولاً می‌بایست شرح حال و ماجرای محمد بن عبدالله بن عمرو و بشیر رحال را در ضمن اخبار قیام طالبی ذکر می‌کرد و نباید بابتی مستقل و به نام خودشان که غیر طالبی بودند به آن‌ها اختصاص داده می‌شد. دوماً، در مقاتل الطالبیین قیام سال ۱۹۹ق به قیام ابوالسرایا معروف است و در چهار باب مستقل و متوالی با عناوین مختلف به آن پرداخته و به نظر می‌رسد در ذکر قیام ابوالسرایا بیش از طالبی نسب بودن رهبر قیام، شیعی بودن قیام مورد توجه ابوالفرج بوده و نخواستن این جنبش شیعی و زیدی را نادیده بگیرد. حاصل آن‌که ابوالفرج ۸۵ صفحه از ۸۸۹ صفحه، یعنی حدود ۱۰ درصد از حجم کتاب را به این ۱۵ تن اختصاص داده است. همچنین در جایی سروده‌های موسی بن عبدالله بن حسن خطاب به همسرش و پاسخ شاعری دیگر در نهی او و سروده‌های محمد بن صالح بن عبدالله در علاقه‌اش به حمدونه و ماجرای خواستگاری از او از مطالب غیر مرتبط است. او اذعان می‌دارد که «این مطالب مقتضی این باب نبود ولی چون حدیث ابعاد مختلفی دارد و ذکر

مطلبی شرح ماجرای دیگر را به دنبال می‌آورد این مطالب را آوردم».^{۷۳}

۲. **تطویل و تکرار:** با وجود این که یک پنجم کتاب مقاتل الطالبیین را به شرح قیام عبدالله محض و دو پسرش نفس زکیه و ابراهیم اختصاص داده است، می‌گوید: به گونه‌ای از شرح حال اشاره می‌کنم که از وضع کتاب مبنی بر اختصار خارج نشوم زیرا شرح همه آن چه نقل شده بسیار است.^{۷۴} او شرح مبسوطی از جنگ و گریز اصحاب ابراهیم باخمی در منطقه فارس و اهواز آورده است. شرح رشادت‌های فرماندهان ابراهیم از جمله مغیره در جنگ با عباسیان و نحوه تصرف اهواز، برخورد ابراهیم با سرشناسان و حکام بلاد فارس که در اطراف بصره بودند و نحوه استفاده از منابع پولی و سرمایه‌های دولتی و خصوصی را آورده است.^{۷۵} همچنین بخش همراهان نفس زکیه تکرار شده است.^{۷۶} تطویل در پرداختن به سرگذشت نفس زکیه و ابراهیم سبب شده که گفته شود در معرفی و توصیف ائمه زیدی، ابوالفرج از جاده اختصار و هدف خارج می‌شود.^{۷۷}

۳. **عدم درک عمیق در تعلیل و تحلیل وقایع:** ابوالفرج به نقل از احمد بن الجعد الوشاء علت تخریب مرقد امام حسین (ع) به دستور متوکل را غیبت یکی از زنان آوازه خوان دربارش ذکر کرده است.^{۷۸} نمی‌توان پذیرفت که خشم متوکل و شدت بغض و کینه او نسبت به ائمه شیعه و علویان و طالبیان در این مسئله خلاصه شود. اگر ابوالفرج دید سیاسی قوی می‌داشت، خیلی عمیق‌تر به این موضوع می‌پرداخت نه این که با یک چنین خبر پیش پا افتاده‌ای علت کینه عباسیان را نسبت به ائمه و علویان چنین مطلبی بداند و ساده از آن عبور کند. در علت دشمنی مأمون با امام رضا (ع) نیز دو علت سطحی و کم اهمیت را ذکر کرده

۷۳. ابوالفرج اصفهانی، ۵۵۷، ۸۲۱.

۷۴. همو، ۳۳۷.

۷۵. همو، ۴۴۷-۴۵۶.

۷۶. همو، ۳۶۰، ۳۶۹.

۷۷. عادل، ۴۷، ۴۸.

۷۸. ابوالفرج اصفهانی، ۸۱۱.

است. ایراد گرفتن امام از وضو گرفتن مأمون و بر حذر داشتن او از ارتباط با بنی سهل.^{۷۹} اخبار عباس بن علی بن ابیطالب قمر بنی هاشم و برادرانش در ورود به معرکه کربلا^{۸۰} و نادیده انگاری توصیه‌های ابن عباس از سوی امام حسین (ع) نیز از این دسته اخبار هستند.^{۸۱}

۴. عدم رعایت انصاف در معرفی طالبیین: ابوالفرج با نگاهی گزینشی به معرفی قهرمانان و رهبران قیام‌ها و شرح سرگذشت طالبیین پرداخته‌است. او در کسوت یک مورخ بایستی به ذکر حوادث و وقایع پیش آمده در مورد تمامی افرادی که از آن‌ها نام برده پردازد؛ اما این مسئله در مورد تمامی طالبیین صدق نمی‌کند. از بعضی به تفصیل سخن گفته و بسیار به جزئیات پرداخته و حاشیه‌پردازی کرده و حتی مکرر اخباری را ذکر کرده، ولی از کثیری از طالبیین بسیار موجز و در حد ذکر نام یاد کرده‌است. یک پنجم کتاب به سه تن از طالبیین و یک سوم آن به هشتاد تن اختصاص داده شده‌است. از این رو گفته شده هدف اصلی ابوالفرج در مقاتل الطالبیین، ذکر تاریخ ائمه (ع) و بزرگان زیدیه است و گویا در راستای جانب‌داری از مذهبش این کتاب را تألیف نموده زیرا در تمجید بزرگان زیدیه مبالغه نموده‌است.^{۸۲} درباره زید بن علی گزارش‌ها و روایاتی را ذکر می‌کند که حاکی از فضایل و ویژگی‌های خاصی در او و گویای میزان ارادت ابوالفرج به ایشان است. این ارادت و علاقه به حدی است که در هر فرصتی گریزی زده و از زید می‌گوید^{۸۳} و در بیان اوصاف و فضایل رهبران قیام‌های زیدی نیز چنین عمل کرده‌است.^{۸۴} از سوی دیگر مثلاً از خطبه امام سجاد (ع) در شام^{۸۵} و فضایل حضرت علی (ع)^{۸۶} به جهت رعایت اختصار سخن نگفته

۷۹. ابوالفرج اصفهانی، ۷۷۸.

۸۰. همو، ۱۵۱، ۱۵۳.

۸۱. همو، ۱۸۹.

۸۲. عادل، ۴۷-۴۸.

۸۳. ابوالفرج اصفهانی، ۲۱۵ و ۵۷۷.

۸۴. همو، ۲۷۹-۲۸۴.

۸۵. همو، ۲۰۸.

است. از فضایل امام حسن و امام حسین و امام رضا(ع) نیز سخنی نگفته و تنها دو فضیلت از امام کاظم(ع) برشمرده است. این کم‌گویی تنها مربوط به اخبار اهل بیت(ع) نیست. از ۶۰ تن از طالبیان متعلق به ایام مستعین (آغاز خلافت ۲۴۸هـ) تا زمان مقتدر (تا سال ۳۱۳هـ) بسیار مختصر و گذرا نام برده و به شیوه سایر طالبیان در نقل نسب، فضایل و مقتل، عمل نکرده است.^{۸۷}

۵. **عدم ارائه اطلاعات کامل و کافی:** در نگاه نخست به نظر می‌رسد، مقاتل الطالبیین از اوضاع سیاسی و اجتماعی سرزمین‌های اسلامی از زمان پیامبر اکرم(ص) تا اوایل قرن چهارم هجری قمری تصویری صریح، نمایان و روشن ارائه می‌نماید و می‌توان آن را آینه تمام‌نمای تاریخ اجتماعی و سیاسی سه قرن اولیه اسلام به‌ویژه در سرزمین عراق و حجاز دانست، لیکن عدم ارائه اطلاعات کامل و کافی از برخی حوادث نشان از ضعف تحقیقاتی و علمی دارد. او نخواست یا نتوانسته حقیقت اختناق و رعب و وحشتی را که بر دل‌ها و جان‌ها و پیکره بلاد اسلامی گسترده و در همه ارکان آن نفوذ کرده بود را بیان کند از سوی دیگر او در زمان خلافت مقتدر عباسی (۲۹۵ تا ۳۲۰هـ) یعنی سال ۳۱۳هـ دست به تدوین مقاتل الطالبیین زده؛^{۸۸} در حالی که حدود هشت سال از خلافت مقتدر گذشته اما بیان واضح و روشنی از وضعیت طالبیین در این دوران ندارد به‌گونه‌ای که شرح مقتل یحیی بن عمر به سال ۲۵۰هـ در کوفه، آخرین گزارش تفصیلی مقاتل الطالبیین از قیام‌های طالبیین است.^{۸۹} این مسئله در چند زمینه در مقاتل الطالبیین خودنمایی می‌کند. یکی در عدم ثبت تاریخ اهل بیت(ع) در قرن سوم یعنی پس از شهادت حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع) و دوم؛ ابهام در بیان شورش‌های نیمه دوم قرن سوم. اگر گفته شود وی از

۸۶. ابوالفرج اصفهانی، ۷۵.

۸۷. همو، ۸۹۰-۹۲۰.

۸۸. همو، ۹۳۷.

۸۹. همو، ۸۶۴-۸۹۰.

مرتبت علمی بالایی در تاریخ برخوردار بوده و نمی‌توان چنین ایرادی بر او وارد کرد، پس باید گفت، وی در ارائه اخبار قرن سوم هجری قمری دچار سانسور شده و به صورت گزینشی عمل کرده‌است.

برخلاف مورخان پیشین که تحت فشار دستگاه خلافت و تحریم و ممانعت از نشر مکتوباتشان قلم می‌راندند، ابوالفرج در زمانی می‌زیسته که فشار دستگاه حاکمه بر شیعیان و مورخان، به واسطه حاکمیت یافتن دولت‌های شیعی، کمتر شده‌است. با این همه ناتوانی وی در شناخت مسائل تاریخی نیمه دوم قرن سوم هویداست. وی علت این ضعف و نقص را در کمی ناقلین و یا فقدان ناقل و راوی اخبار و بُعد مکانی از مناطق یمن و طبرستان گفته‌است.^{۹۰} از این رو می‌توان گفت یکی از دلایلی که به صورت مشروح به اخبار امامان زیدی پرداخته، وجود منابع متعدد در نقل اخبار ایشان بوده‌است؛ زیرا گروه‌های زیدیه از نیمه دوم قرن سوم بسیار فعال و در حد گسترده در یمن و طبرستان و برخی مناطق دیگر چون کوفه و بغداد عمل می‌کردند. اگر این علت را برای عدم آگاهی او از قیام‌های طالبیونی که در دوردست قرار دارند بپذیریم ولی آن دسته از قیام‌ها که از زمانه‌ی ابوالفرج پیش‌تر بوده و اطلاعات قابل توجهی از آن‌ها داشته چرا بدون تحلیل رها شده‌است؟ مثلاً نمی‌توان پذیرفت که در واقعه حرّه در مدینه که ۴۰۰۰ تن از اهل مدینه کشته شدند فقط دو تن از طالبیان جان خود را از دست داده باشند. مضافاً این‌که ابوالفرج در مقاتل الطالبیین توضیحی برای این واقعه نداده‌است.^{۹۱}

برخی اخبار کشتارهای علویان و سادات نیز اساساً در مقاتل الطالبیین ذکر نشده‌است. شیخ صدوق (د ۳۸۱هـ) در عیون اخبار الرضا (ع) از جنایت هولناک هارون الرشید در همان شبی که حضرت موسی بن جعفر (ع) را به شهادت رساند خبر می‌دهد. به دستور وی حمید بن قحطبه شصت تن از سادات علوی محبوس را گردن زده و

۹۰. ابوالفرج اصفهانی، ۹۳۷.

۹۱. همو، ۲۱۰.

پیکرشان را در چاه می‌افکند.^{۹۲} منصور نیز هنگام بنای شهر بغداد سخت در تعقیب سادات علوی بود و بر هر کس دست می‌یافت پیکرش را در میان دیوارهای ابنیه قرار می‌داد.^{۹۳} عدم ذکر زمان یکی دیگر از کاستی‌های این کتاب است. در مقاتل الطالبیین تسلسل حوادث تاریخی نه با ذکر دقیق سال رخداد بلکه با توجه به ترتیب نام خلفا و ترتیب ذکر نام طالبیان استنباط می‌گردد. ابوالفرج در تمامی حوادث به ذکر زمان پایبند نبوده است. به خصوص در بخش آخر و تکمله اثر برگرفته از مقاتل الطالبیین محمد بن علی بن حمزه - مشخص نیست که هر یک از طالبیان در چه زمانی به قتل رسیده‌اند. تنها یقین زمانی این است که این اخبار متعلق به قبل از ۲۸۷ هـ یعنی سال وفات ابن حمزه است.

اقتباس‌ها از مقاتل الطالبیین

مقاتل الطالبیین، اولاً به سبب تنوع اسناد و روایات؛ ثانیاً، دقتی که از سوی ابوالفرج در نقل اخبار آن صورت گرفته و ثالثاً به واسطه مفقود شدن آثار مشابه و کهن در این باب، از ارزش و اهمیت به‌سزایی برخوردار و مورد بهره‌برداری مؤلفان و نویسندگان پس از خود واقع شده است. به ویژه آن‌که مؤلفان سنی و شیعی اعم از زیدیه و امامیه آنگاه که به جمع و نقل اخبار مربوط به ائمه و بزرگان خود پرداختند، همواره از کتاب مقاتل الطالبیین به‌عنوان اصلی‌ترین مأخذ استفاده نموده‌اند.

بخشی از روایات تاریخی مقاتل الطالبیین از طریق کتاب الارشاد شیخ مفید (۳۳۸-۴۱۳ هـ) به منابع پسین امامیه راه یافته است. بسیاری از روایات مندرج در ارشاد، مرسل بوده و شیخ اشاره‌ای به منبع آن نکرده، اما مقابله و مقایسه متون این دو کتاب، گویای بهره‌برداری شیخ مفید از مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی در نگارش و تدوین ارشاد است. تمامی

۹۲. صدوق، ۱۰۰/۲ تا ۱۰۲.

۹۳. همو، ۱۰۳، ۱۰۴.

گزارش‌های مقاتل الطالبیین در اخبار مقتل علی (ع)،^{۹۴} امام حسن (ع)،^{۹۵} امام موسی بن جعفر (ع)^{۹۶} و علی بن موسی الرضا (ع)^{۹۷} با اندکی تغییر بدون خدشه بر اصل، عینا در الارشاد آمده‌است. تفاوت عمده در علت شهادت امام کاظم (ع) و عدم ذکر شروط امام رضا (ع) پس از پذیرش ولایتعهدی در مقاتل الطالبیین از سوی ابوالفرج است. شیخ طوسی (د ۴۶۰هـ) نیز در الغیبه از مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی بهره برده‌است. وی ماجرای قتل امام موسی بن جعفر (ع) به دستور هارون الرشید را مطابق گزارش‌های ابوالفرج ثبت کرده‌است. تنها تفاوت آن با متن ابوالفرج در کیفیت شهادت حضرت است که قول شیخ مفید در ارشاد را با توضیحی بیش‌تر آورده‌است.^{۹۸} طبرسی در اعلام الوری^{۹۹} و علامه مجلسی در بحارالانوار^{۱۰۰} نیز به همین کیفیت نقل نموده‌اند.

از مؤلفان غیر شیعی ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه در خبر مقتل امام علی (ع) با بیان این‌که صحیح‌ترین گزارش‌ها در مقاتل الطالبیین ابوالفرج علی بن الحسین الاصفهانی آمده‌است، به گزارش مقتل امام علی (ع) مطابق مقاتل الطالبیین ابوالفرج پرداخته‌است.^{۱۰۱} از دیگر نویسندگان اهل سنت، خطیب بغدادی نیز واقعه مناظره بین یحیی بن عبدالله و عبدالله بن مصعب زبیری در مقابل هارون الرشید و عاقبت زبیری را مطابق نقل ابوالفرج ذکر کرده‌است.^{۱۰۲}

۹۴. مفید، ۱۷/۱-۲۲؛ ابوالفرج اصفهانی، ۷۶-۸۶.

۹۵. مفید، ۱۴/۲-۱۷؛ ابوالفرج صفهانی، ۱۳۴-۱۴۰.

۹۶. مفید، ۲۴۰/۲؛ اصفهانی، ۶۹۸. الا این‌که شیخ مفید قائل به مسموم شدن حضرت و ابوالفرج شکنجه و خفگی را علت ذکر کرده‌است.

۹۷. مفید، ۲۵۹/۲-۲۷۱؛ ابوالفرج اصفهانی، ۷۷۲-۷۸۰.

۹۸. طوسی، ۲۶-۳۲.

۹۹. طبرسی، ۲۹۹.

۱۰۰. مجلسی، ۲۳۴/۴۸-۲۳۹.

۱۰۱. ابن ابی الحدید، ۱۱۳/۶-۱۲۶.

۱۰۲. خطیب بغدادی، ۱۱۲/۱۴؛ ابوالفرج اصفهانی، ۶۶۶.

نتیجه

بررسی مقاتل الطالبیین آشکار می‌کند که ذکر اسناد، انساب، مقتل، مرثی و سیره خلفا از شاخصه‌های تاریخ‌نگاری ابوالفرج در این اثر است. روش تاریخ‌نگاری او ترکیبی و تحلیلی است. وی در دستیابی به منابع تاریخ‌نگاری شفاهی و مکتوب راویان، محدثین و مورخین تا قرن چهارم و گردآوری اسناد و تحلیل و نقد آن‌ها سعی وافر نموده‌است. بررسی مقاتل الطالبیین در دو زمینه ساختاری و محتوایی، محاسن و معایبی را بر آن مترتب ساخته و شیوه پرداختن وی به تاریخ اهل بیت (ع) و سایر طالبیین را آشکار می‌سازد. استفاده از منابع مکتوب و تنوع و تکثر منابع، ثبت اسناد موجود برای هر خبر و ذکر نام راوی از امتیازات و ویژگی‌های این اثر است. از حیث ساختار، مؤلف توجه خود را به رعایت دو اصل؛ معرفی افراد طالبی نسب، حق طلب، دین مدار و اخلاق‌گرا و دوم، اختصار در نگارش معطوف نموده اما در مواردی دچار تطویل، تکرار و خروج موضوعی از مقاصد خود گردیده‌است. پرداختن به غیر طالبی نسب‌ها و طالبیانی که به مرگ طبیعی از دنیا رفته‌اند یا قیام نکرده و یا انگیزه سیاسی-اجتماعی در قیامشان مطرح نبوده، اخلاق‌گرا و دین‌مدار نبوده و یا در درگیری درون گروهی کشته شده‌اند، از مصادیق عدم پایبندی او به هدف تألیف است. عدم رعایت انصاف در معرفی طالبیین و عدم ارائه اطلاعات کامل و کافی و عدم تعلیل و تحلیل عمیق وقایع به‌ویژه در ثبت تاریخ اهل بیت (ع) در بیان برخی اخبار مقتل، از حیث محتوا بر مقاتل الطالبیین خدشه وارد می‌کند. نواقص و یا شبهاتی نیز در ثبت تاریخ اهل بیت (ع) در این کتاب دیده می‌شود. از جمله؛ عدم ذکر فضائل، عدم ذکر نسب مادری و وجود برخی شبهات که حاکی از عدول از شاخصه‌هاست. به نظر می‌رسد این نواقص حاصل شتاب‌زدگی مؤلف در امر تألیف کتاب و دسترسی داشتن یا نداشتن او به منابع معتبر و غنی مکتوب می‌باشد. با این حال، اعتبار گزارش‌های ابوالفرج سبب انتقال اخبار اهل بیت (ع) و سایر طالبیین، از طریق کتاب مقاتل الطالبیین به منابع پس از خود شده‌است. تلاش در جهت شناخت منابع کهن سه قرن نخستین که مورد استفاده ابوالفرج اصفهانی در این کتاب

بوده و بسیاری از آن‌ها از منابع مفقود به‌شمار می‌روند، می‌تواند علاوه بر شناخت هر چه بهتر اخبار مربوط به اهل بیت (ع) و تاریخ تشیع، امکان بازسازی این منابع را نیز فراهم سازد.

کتابشناسی

- آقا بزرگ طهرانی، محمد محسن، الذریعه الى تصانیف الشیعه، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- آذرنوش، آذرتاش و علی بهرامیان، «ابوالفرج اصفهانی»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ۱۳۷۳ش.
- آئینه‌وند، صادق، «مکتب تاریخ‌نگاری طبری»، کیهان اندیشه، ش ۲۵، مرداد و شهریور ۱۳۶۸.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید، شرح نهج‌البلاغه، به‌کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، منشورات مکتبة آية الله العظمى المرعشى النجفی، ۱۴۰۴ق.
- ابن اثیر، عزالدین، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر و داربیروت، ۱۳۸۵ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
- ابن خلکان، شمس‌الدین احمد بن محمد، وفيات الاعیان و انباء ابناءالزمان، به‌کوشش احسان عباس، بیروت، دارصادر، ۱۹۷۲م.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، معالم العلماء، قم، بی‌تا.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، به‌کوشش رضا تجدد، تهران، اساطیر، ۱۳۸۱ش.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین، مقاتل الطالبیین، ترجمه بهزاد جعفری، تهران، جعفری‌راد، ۱۳۸۹ش.
- جعفریان رسول، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، تهران، علم، ۱۳۹۱ش.
- حرعاملی، ابو جعفر محمد بن الحسن، امل الآمل، نجف اشرف، مطبعة الآداب، بی‌تا.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد او مدینه السلام، به‌کوشش بشار عواد معروف، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۲۰۰۲م.
- رفعت، محسن و رحمان ستایش، محمد کاظم، «روایات عاشورایی مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی در میزان نقد و بررسی»، مجله علوم حدیث، ش ۷۶، ۱۳۹۴ش.
- صدوق، محمد بن علی، عیون اخبارالرضا(ع)، ترجمه علی اکبر غفاری و حمید رضا مستفید، تهران،

دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۳ ش.

طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بی تا.
طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، به کوشش ابوالفضل ابراهیم، بیروت، ۱۳۸۲ ق.
طوسی، محمد بن الحسن، الغیبه، به کوشش مجتبی عزیزی، قم، انتشارات جمکران، ۱۳۸۷ ش.
عادل، پرویز، «ابوالفرج اصفهانی و ترجمه مقاتل الطالبیین»، کتاب ماه و جغرافیا، ش ۲۶، ۱۳۷۸ ش.
عمادی حائری، سید محمد، بازسازی متون کهن حدیث شیعه، قم، مؤسسه علمی فرهنگی
دارالحدیث، ۱۳۹۴ ش.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

معارف، مجید، و لعیا مرادی، «بررسی کاربرد عقل در نقد روایات»، مجله حدیث پژوهی، سال نهم،
ش ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.

مفید، ابن نعمان محمد بن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، به کوشش مؤسسه آل
البيت علیهم السلام، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال النجاشی، به کوشش موسی الشبیری الزنجانی، بی جا،
مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.

هدایت پناه، محمدرضا، منابع تاریخی شیعه تا قرن پنجم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵ ش.